

\*\*\* عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ الْمَفْرَدَاتِ أَوْ الْحَوَارِ:

۱- «و جادلهم بالتّي هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله»:

- (۱) و با آنان به روشی نیکوتر مجادله کن، قطعاً خداوند داناتر است به کسانی که راهشان را گم می کنند!
- (۲) و با آنان به نیکویی مجادله کنید، همانا پروردگارتان به کسی که از راه راست گمراه شود، دانا است!
- (۳) و با آنان به روشی نیکو ستیز می کرد، چرا که پروردگار نسبت به کسی که از راهش گمراه می شد، آگاه بود!
- (۴) و با آنان به روشی نیکوتر مجادله کن، همانا پروردگارت داناتر است به کسی که از راهش گمراه شد!

۲- «من غلبت شهوته عقله فهو شر من البهائم!»:

- (۱) کسی که عقلش غلبه بر شهوتش می کند، از بدترین چهارپایان است! (۲) هر کس عقلش بر شهوتش چیره شد، پس او از بدترین چهارپایان است!
- (۳) هر کس شهوتش بر عقلش چیره شد، پس او از چهارپایان بدتر است! (۴) کسی که شهوتش را بر عقلش ترجیح می دهد، از چهارپایان است!

۳- «یرید أعدائی أن یهجرونی أحبّتی لكنهم سیدوقون البأس!»:

- (۱) دشمنانم می خواهند که دوستانم را ترک کنم، ولی آن ها ناامیدی را خواهند چشید!
- (۲) دشمنم می خواهد که دوستانم مرا ترک کنند، ولی او ناامیدی را خواهد چشید!
- (۳) دشمنان می خواهند که دوستانم را ترک کنم، ولی آن ها ناامیدی را چشیدند!
- (۴) دشمنانم می خواهند که دوستانم مرا ترک کنند، ولی آن ها ناامیدی را خواهند چشید!

۴- «عندی صديق هو الحداد الحاذق يعمل في دكانه من الصباح حتى العشيّة!»:

- (۱) دوست کارگر ماهری دارم که باید از صبح زود تا آخر شب در مغازه کار کند!
- (۲) دوستم آهنگر ماهری است که در مغازه اش از صبح تا پایان شب کار می کند!
- (۳) دوستی دارم که آهنگر ماهری است که در مغازه اش از صبح تا آغاز شب کار می کند!
- (۴) دوستی دارم که یک آهنگر ماهر است و همیشه در مغازه از صبح تا نیمه شب کار می کند!

۵- «قد استفاد الشعراء الإيرانيون من اللغة العربيّة و أنشدوا بعضهم أبياتاً ممزوجة بالعربيّة و الفارسيّة!»:

- (۱) شاعری ایرانی از زبان عربی استفاده کرده است و برخی بیت هایی درآمیخته به عربی و فارسی سروده است!
- (۲) شاعران ایرانی از زبان عربی استفاده کرده اند و برخی از آن ها بیت هایی درآمیخته به عربی و فارسی سرودند!
- (۳) ایرانیان شاعر از زبان عربی بهره بردند و بیت هایی درآمیخته به عربی و فارسی سرودند!
- (۴) شاعران ایرانی گاهی از زبان عربی استفاده می کرده اند و برخی از بیت های آن ها درآمیخته به عربی و فارسی بوده است!

۶- عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

- (۱) جرّبت طریق حلّ اقترحت صدیقتی! راه حلی را که به دوستم پیشنهاد دادم، آزمودیم!
- (۲) الجلیس الصّالح خیر من الوحده و الوحده خیر من الجلیس الشرّ! همنشین خوب بهتر از تنهایی و تنهایی بهتر از هم نشین بد است!
- (۳) یدع العاقل الصّبور شاتمه مهناً! عاقل صبور دشنام گوی خود را خوار رها می کند!
- (۴) و إن شکوت إلى الطّیر نحن فی الوُکنات! اگر به پرندگان شکایت کنی، در لانه ها به صدای بلند زاری می کنند!

۷- عَيْنِ الْخَطَا فِي تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) لا خیر فی وُدّ رجل کاذب! ← دوستی
- (۲) کان الملیح یعجبنی فی الضیافه! ← با نمک
- (۳) ینتج العمال فی هذا المصنع البديعة! ← می فروشد
- (۴) عین ما أقرب من مفهوم هذه العبارة: «رَبَّ سَكُوتِ أَبْلَغُ مِنَ الْكَلَامِ»

- (۱) سکوت علامت رضاست!
- (۲) هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد!
- (۳) زبان سرخ سرسبز می دهد بر باد!
- (۴) گاهی سکوت، خود پر از حرف است!

۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ:

- (۱) تعیش الطّیور فی الوُکنات فی عُصون الأشجار بعضاً!
- (۲) الفُستان من الملابس الرّجالیّة!
- (۳) الملمّعات أشعار عربيّة ممزوجة بالفارسیّة!
- (۴) الدّهب أرخص من الفضة!

۱۰- عَيْنِ الْخَطَا حَسَبِ الْحَوَارِ:

- (۱) بكم تومان هذه الفساتين؟ ← ستّه و سبعون ألف تومان!
- (۲) أريدُ سراويلَ أفضلَ من هذه! ← عندنا أحمر و أصفر فقط!
- (۳) الأسعار غالية! ← يختلف السعْر حسب التّوعيات!
- (۴) كم صار المبلغ؟ ← أعطني بعد التّخفيض مئتين و ثلاثين ألفاً!

اقرأ النّصّ التّالي بدقه ثمّ أجِب عن الأسئلة بما يناسب النّصّ:

«كلّ واحدٍ منّا لا ينسى فضل الوالدين، فتعلّمنا و راحتنا و رعايتنا كلّها خدمات و تضحيات (فداکاری ها) تقدّمها الوالدان لسعادة أولادهم. و بهذا السّبب أوصانا القرآن الكريم بالإحسان إلى الوالدين و الطّاعة لهما، فلا نرفع صوتنا عليهما و لا يخرّج من فمنا كلامٌ يدلّ على سوء الأدب بل نخضع لهما و نسعى في اكتساب رضی الوالدين. و الأبناء المحبوبون هم الذين يأخذون نصائح الوالدين و يطيعون أوامرهما ليفوزوا بالنّجاح!»

۱۱- لماذا تقدّم الوالدان الخدمات و التضحيات للأولاد؟

- (۱) للخوف منهما!
- (۲) للفوز بالنّجاح!
- (۳) لراحتهم!
- (۴) لإطاعتهم و اكتساب رضاهما!

۱۲- بما يوصينا القرآن إلى الوالدين؟ «يوصينا .....

- (۱) بالقيام و الصيام!
- (۲) بالإحسان و الطّاعة!
- (۳) بالنّجاح في الحياة!
- (۴) بالصلاة و الرّكاة!

١٣- عَيِّن الخطأ للفراغ: «الولد المحبوب هو الذى .....

(١) يأخذُ نصيحةَ الوالدين! (٢) لا يرفعُ صوتهَ عليهما!

١٤- عَيِّن الصَّحِيحَ عن كلمه «نرْفَعُ»:

(١) فعل مضارع، مجرد ثلاثي، فاعله ضمير «نحن» مستتر

(٢) فعل مجهول، مجرد ثلاثي، «صوتنا» نائب فاعل

١٥- عَيِّن جواباً كل أسامى الجمع المكسر:

(١) أولاد - رضى - محبوبون (٢) خدمات - تضحيات - الطاعة

١٦- عَيِّن الخطأ:

(١) صياد - علامة - كذآب: اسم المبالغة

(٢) ناظِم - معلِّم - متعلِّم: اسم الفاعل

١٧- عَيِّن عبارة ما جاء فيها اسم التفضيل:

(١) أسرع إلى الصلاة لأني خير العمل!

(٢) العاقل هو من يعرف الخير من الشر!

١٨- عَيِّن اسم المكان في محل المفعول:

(١) صديقي منبع الأخلاق الحميدة!

(٢) التاجر الإيراني يمتلك مصنعا في محافظتنا!

١٩- عَيِّن عبارة تشتمل على اسم مفعول على فعل مجرد ثلاثي:

(١) ابنُ سينا عالمٌ إيرانيٌّ مشهورٌ في كلِّ مكانٍ!

(٢) عَيِّن الصَّحِيحَ للكلمات المُعَيَّنَة!

٢٠- عَيِّن عبارة جاء فيها اسم الفاعل و اسم المبالغة معاً:

(١) لو علمَ النَّاقصُ بنقصه لكان كاملاً!

(٢) يا أيها المؤمنون، جاهد الكفار و المنافقين!

٣) يُطِيحُ أوامر والديه! (٤) لا يتكلَّم أمام والديه!

(٢) لازم، مزيد ثلاثي من باب إفعال، فاعله «هو» مستتر

(٤) فعل مضارع، متعد، فعل من باب إفعال

٣) نصائح - أوامر - أولاد (٤) نجاح - الوالدين - صوت

(٢) مُسْتَضْعَف - مُقَاتِل - مَظْلُوم: اسم المفعول

(٤) مساعِدة - مجالسة - مُسْتَمِعَة: اسم المفعول

(٢) أبقى الأعمال عند الله عملٌ ينفَعُ الناس!

(٤) إنَّ الشَّاعرَ أنشدَ أشعاراً يُحبُّ أكثرهم!

(٢) فى متجر زيملى ملابسُ بألوانٍ مختلفة!

(٤) يجب أن نجلسَ بالأدب فى محضر المعلِّم!

(٢) نريدُ المدرِّسينَ الحاذِقينَ لتعليمِ أولادنا!

(٤) أرسل اللهُ المرسلينَ مبشِّرينَ و منذرينَ!

(٢) حُكَّامُ الصَّالحينَ العادِلينَ محبوبون عند الله!

(٤) لا يَعْلَمُ المُذنبُ أنَّ الله ستارُ العيوب!